

جنایت بدون خونریزی

موج تعطیلی مراکز نگهداری کودکان خیابانی در تهران

آرش کمانگر

مطبوعات رژیم اسلامی ایران در روزهای اخیر برده از روی جدیدترین اقدام ضد مردمی نهادهای حکومتی برکشیدند. بر مبنای این خبر تکان دهنده، شهرداری تهران تصمیم گرفته به دنبال تعطیلی «خانه سبز» (مرکز نگهداری پسران) «خانه ریحانه» را نیز که مخصوص نگهداری و ساماندهی به دختران فراری و خیابانی بود تعطیل کند. مقامات شهرداری علت اتخاذ این تصمیم مشمئزکننده و ضد اجتماعی را «بی‌ارتباطی تشکیل چنین مراکزی با حیطه مسئولیت شهرداری‌ها» اعلام نمودند و تحقق این وظیفه را به سازمان بهزیستی محول کردند. مرکز ساماندهی شهرداری تهران شامل شش محل نگهداری دختران و پسرانی بود که معمولاً در خیابان‌های شهر از طرق مختلف کسب درآمد می‌کردند و معمولاً شب‌ها را نیز در خیابان‌ها و پارک‌ها سپری می‌نمودند.

اکنون با مصوبه جدید سازمان فرهنگی-اجتماعی شهرداری تهران همه این مراکز که «خانه سبز» و «خانه ریحانه» معروف‌ترین آنها بودند تعطیل شده‌اند. گفته می‌شود این مراکز تحت کنترل شهرداری طی سال گذشته جمعا هشت هزار کودک را نگهداری و یا به امور آنها رسیدگی نموده‌اند؟! شهرداری‌ها ادعا می‌کنند که هزینه نگهداری هر کودک در این مراکز بالغ بر ۴۰۰ هزار تومان در ماه می‌باشد و آنها از طریق تعطیلی این مراکز قصد صرفه جویی دارند. گفتنی است اگر فقط مخارج نگهداری از یک کودک خیابانی ۴۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود، چگونه است که شورای عالی کار موقع تعیین حداقل دستمزد کارگران (که معمولاً هرکدام یک خانواده چند نفره را اداره می‌کنند) هزینه واقعی یک زندگی حداقل، یادشان می‌رود و عموماً مبنای حداقل دستمزد را کمتر از یک سوم هزینه‌های واقعی زندگی تعیین می‌کنند؟ اگر سر و سامان دادن به یک کودک فراری ۴۰۰ هزار تومان هزینه در بر دارد، آنگاه یک خانواده که دارای سه فرزند است، فقط بابت فرزندانش باید بیش از یک میلیون تومان در ماه از دولت و یا کارفرما حقوق بگیرد!!

نگفته پیداست که فقر و بیکاری خانواده‌ها یکی از عوامل اصلی پدیداری و رشد معضل اجتماعی کودکان خیابانی است. به جرات می‌توان ادعا نمود که اگر دولت فقط یک چهارم هزینه نگهداری از یک کودک خیابانی مورد ادعای خود را به والدین آنها کمک کند و همچون شماری از کشورها دولت به ازای درآمد خانوار و تعداد فرزندان، بودجه‌ای را جهت کمک هزینه به آنها اختصاص دهد، ما شاهد کاهش چشمگیر آمار فرار کودکان و یا ترک تحصیل و خانه و روی آوری آنها به محیط ناامن و ناهنجار خیابان‌ها و میادین شهرها خواهیم بود. اما این کار از عهده رژیمی که جز برای حفظ امنیت و تداوم حاکمیت استبدادی خود الویت دیگری نمی‌شناسد برنمی‌آید به همین دلیل است که علیرغم رشد تصاعدی آمار کودکان خیابانی، به جای گسترش و بهسازی مراکز نگهداری از این کودکان، شاهد تعطیلی پی در پی آنها هستیم.

این تصمیم در حالی اجرا می‌شود که محمد علی زم معاون شهردار تهران در امور اجتماعی و مسئول سازمان فرهنگی-اجتماعی شهرداری خود اعتراف می‌کند که آمار کودکان خیابانی از حدود ۲۰ هزار نفر در ۱۳۷۵ به بیش از یک میلیون نفر در سال جاری رسیده است. آخوند زم همان کسی است که قبلاً مسئولیت حوزه هنری شهرداری تهران را برعهده داشت و حدود دو سال پیش آمارهای تکان دهنده‌ای در مورد میزان مصرف مواد مخدر در تهران و پایین آمدن سریع سن فحشا ارائه کرده بود، او چند ماه پیش طی یک جدال جناحی توانست از حوزه هنری به حوزه فرهنگی-اجتماعی بپیاید و به عنوان معاون شهردار، جایگزین ارگانی شود اما گویا در جمهوری اسلامی همه چیز برعکس است یعنی آدم انتظار دارد که بعد از شنیدن آمارهای تکان دهنده از رشد نجومی ناهنجاری‌های اجتماعی،

شاهد گسترش اقدامات و واکنش رژیم شود ولی چنانکه می بینیم حضرات ترجیح می دهند با تعطیلی همین مراکز موجود به کلی از زیر بار مسوولیت در بروند. دلیلش نیز روشن است مراکز نامبرده (که هر کدام تنها حداکثر می توانند چند صد نفر را در خود جای دهند) نمی توانند از پس نیازهای ده ها هزار کودک خیابانی تهران بزرگ برآیند. سازمان بهزیستی نیز که در سال های اخیر با کمک یونیسف (صندوق امور کودکان سازمان ملل) توانسته بود حدود ۲۰ مرکز نگهداری از کودکان ایجاد کند، به گفته مدیر کل آسیب های اجتماعی این سازمان در مصاحبه با بی بی سی تنها توانسته است در سال گذشته به امور ۶۵۰۰ کودک رسیدگی کند و تازه حداکثر کاری که می کنند این است که کودک را چند روز یا چند هفته در قرنطینه قرار می دهند و به اصطلاح پس از «ارشاد» به شهرستان ها و یا خانه هایشان در تهران باز می گردانند تا مجددا در محیطی مملو از فقر، ناهنجاری، فساد و خشونت دوباره فرار جدیدی را سازمان دهند. این دور باطل نمی تواند در چارچوب این رژیم درمانده پایان گیرد حتی تحمیل برخی رفم های جدی نیز به برپایی یک کارزار و جنبش همگانی حمایت از کودکان خیابانی و برای دفاع از حق رفاه، بهداشت، مسکن، تحصیل و تفریح آنها بستگی دارد.

یک میلیون کودک خیابانی! این فاجعه می تواند و باید متوقف شود!

هفته نامه پیوند ، چاپ کانادا ، ۴ اکتبر ۲۰۰۲